

رابطه قرآن و نهج البلاغه

دومین نشست از سلسله نشست‌های نهج البلاغه پژوهی دیجیتال
در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم



به کوشش: هیئت تحریریه فصلنامه ره‌آورد نور

اشاره

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دومین نشست از سلسله نشست‌های نهج البلاغه پژوهی دیجیتال را در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار نمود. این جلسه، با موضوع «رابطه قرآن و نهج البلاغه» و سخنرانی دکتر مجید معارف، استاد گروه قرآن و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران انجام شد.

آنچه در این نوشتار ارائه شده، خلاصه‌ای است از مهم‌ترین مطالب مطرح‌شده و نیز گفت‌وگوی صورت‌گرفته در حاشیه این نشست که امیدواریم برای خوانندگان و علاقه‌مندان گرامی مفید و قابل استفاده باشد.

معرفی

استاد مجید معارف، در معرفی خود اظهار داشت:

«ابتدا تشکر می‌کنم از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) بابت این برنامه خوب و وزین که در نمایشگاه‌های قرآن دارد. تخصص و مدرک دکترای بنده، به‌طورعام در رشته قرآن و حدیث است؛ ولی با مشورت اساتید و بسته به نیازی که در جامعه احساس کرده‌ام، بیشتر به حدیث پژوهی پرداخته‌ام. در این رهگذر، به نهج‌البلاغه هم پرداخته‌ام و با عنایت پروردگار چند جلد کتاب درباره نهج‌البلاغه نوشته‌ام؛ مانند کتاب‌های: ارتباط قرآن و نهج‌البلاغه، شناخت حدیث، بارقه‌هایی در شناخت تاریخ و معارف نهج‌البلاغه.»

رابطه نهج‌البلاغه و قرآن کریم

استاد معارف با اشاره به پیوند ماه مبارک رمضان با قرآن کریم و امیرمؤمنان(ع) و تجلی خاص کلمات آن حضرت در کتاب شریف نهج‌البلاغه، گفت:

«قرآن کریم و نهج‌البلاغه، دارای رابطه و پیوند هستند؛ چراکه کلمات و بیانات امیرمؤمنان علی(ع) با قرآن کریم مطابقت دارد. علت انتخاب این موضوع برای نمایشگاه قرآن کریم در ماه مبارک رمضان، این ارتباطات و پیوندها بوده است. برای تبیین بهتر رابطه قرآن و نهج‌البلاغه، دو مقدمه خواهیم گفت.

مقدمه اول، پاسخ به این سؤال است که چه ضرورتی برای تبیین این ارتباط وجود دارد؟ فهم رابطه قرآن و نهج‌البلاغه، چه آورده‌ای دارد؟

همان‌طور که می‌دانید، نهج‌البلاغه، کلام معصوم است و طبق اعتقاد شیعه هر کلام، فعل و تقریر معصوم، حدیث محسوب می‌شود؛ «الحديث كلام يحيى قول المعصوم وفعله وتقريره». از طرفی، پیامبر اکرم(ص) فرموده: احادیث را بر قرآن عرضه کنید؛ یعنی صحت حدیث را با مطابقت آن با قرآن کریم، می‌فهمیم. نهج‌البلاغه به‌ظاهر دارای مستندات نیست و وضعیت ویژه‌ای دارد و ممکن است محل شک و تردید قرار گیرد. اینجاست که عرضه نهج‌البلاغه بر قرآن، باعث می‌شود تا از قرآن کریم کسب اعتبار کند. حال که اعتبار نهج‌البلاغه محرز شد، نوبت به آن می‌رسد که به خدمت قرآن بیاید و آن را تفسیر، تبیین و توضیح دهد. بنابراین، بحث رابطه قرآن و نهج‌البلاغه، از دو جهت دارای فواید و ثمرات بسیاری است؛ یکی، از جهت افزایش اعتبار نهج‌البلاغه و دیگری، از نظر نقش تفسیری و تبیینی نهج‌البلاغه برای قرآن کریم.»



همسویی نهج البلاغه با قرآن

دکتر مجید معارف در بیان مقدمه دوم، به همسو بودن قرآن کریم با نهج البلاغه به عنوان واقعیت پیش فرض اشاره کرد و افزود:

«این همسویی، بر مبنایی در علم کلام استوار است. همسو بودن، یعنی همدیگر را تأیید می کنند و اختلافی ندارند. اینجاست که به مبنای کلامی می رسیم. علت، این است که امیرمؤمنان (ع) شاگرد مکتب قرآن بود و استاد ایشان پیامبر اکرم (ص) است. بارها حضرت امیر (ع) میفرماید: «سلونی قبل أن تفقدونی وسلونی عن کتاب الله فوالله ما من آية إلا فأنا أعلم فی من نزلت ومتی نزلت وأین نزلت؛ از من بپرسید قبل از آنکه مرا از دست دهید و از من درباره کتاب خدا بپرسید. به خدا قسم! هیچ آیه ای نازل نشد، مگر آنکه می دانم درباره چه کسی نازل شده و چه وقتی نازل شده و کجا نازل شده.»

همچنین، حضرت فرمود: «إن ربی وهب لی خصلتان...؛ خداوند دو چیز به من عطا نمود؛ قلبی که گیرنده و بدون فراموشی است و زبانی که پرسنده و سؤال کننده است.»

پیامبر هنگام نزول آیه «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» (الحاقة، آیه ۱۲)، به امیر مؤمنان (ع) فرمود: «از خداوند خواستم آن گوش شنوا، تو باشی.» امام (ع) فرمود: «از آن موقع به بعد، هیچ کلامی نبود که از پیامبر بشنوم و از یاد برده باشم.» با این پیش فرض که وجود آن حضرت، ظرف حقایق قرآنی است، آیا چنین شخصیتی می تواند کلامی غیر از قرآن گفته باشد؟ هرگز! این مطلب، تنها اعتقاد ما نیست؛ بلکه اهل سنت هم در این باره روایت دارند؛ مانند روایتی که در سنن ترمذی آمده است؛ مطابق این حدیث، امیرمؤمنان (ع) فرموده: «... کنت إذا سئلته فأجابنی وإذا سکت إبتدأنی...؛ روزانه حضور پیامبر مشرف می شدم؛ اگر از پیامبر سؤال می پرسیدم، جواب می داد و هرگاه ساکت بودم، ایشان برایم حقایقی را بیان می کرد. هر آیه ای که بر حضرت نازل می شد، ایشان برای من بیان می نمود و تفسیر و توضیح آن را هم یاد می داد.»

نهج البلاغه به ظاهر دارای مستندات نیست و وضعیت ویژه ای دارد و ممکن است محل شک و تردید قرار گیرد. اینجاست که عرضه نهج البلاغه بر قرآن، باعث می شود تا از قرآن کریم کسب اعتبار کند. حال که اعتبار نهج البلاغه محرز شد، نوبت به آن می رسد که به خدمت قرآن بیاید و آن را تفسیر، تبیین و توضیح دهد. بنابراین، بحث رابطه قرآن و نهج البلاغه، از دو جهت دارای فواید و ثمرات بسیاری است؛ یکی، از جهت افزایش اعتبار نهج البلاغه و دیگری، از نظر نقش تفسیری و تبیینی نهج البلاغه برای قرآن کریم

امیرمؤمنان(ع)، چنین دانش و احاطه‌ای به قرآن کریم دارد و در میان امت اسلام، خود را در معرض پرسش قرار می‌دهد که: «سلونی قبل أن تفقدونی و سلونی عن کتاب الله.» بنابراین، کلام امام نمی‌تواند چیزی خارج از معارف و حقایق قرآنی باشد. در روایتی از پیامبر نقل شده که: «علی مع القرآن و القرآن مع علی»؛ همان‌طور که فرموده‌اند: «علی مع الحق و الحق مع علی.» این، یعنی اتحاد مفهومی؛ یعنی امیرمؤمنان(ع)، قرآن ناطق و حق است. در زمانه‌ای که امت اسلامی حق را گم کردند، حضرت نماد حق می‌شود. در جنگ جمل، کسی از حضرت می‌پرسد که هر دو گروه، از صحابه پیامبر هستند. ما چرا باید بجنگیم؟ حضرت می‌فرماید: «فَإِنَّهُ أَمْرٌ مَلْبُوسٌ عَلَيْكَ إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ وَ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ؛ امر برای تو مشتبه شده است. پس، حق را بشناس تا اهل آن را هم بشناسی و باطل را بشناس تا اهل آن را بشناسی؛ نه اینکه افراد برای تو نماد حق و باطل باشند.»

رابطه ساحت ادبی قرآن و نهج البلاغه

استاد گروه قرآن و حدیث، پس از پایان دو مقدمه، به بیان رابطه قرآن و نهج البلاغه در دو ساحت مختلف پرداخت. یکی، ساحت سبک و اسلوب ادبی است؛ یعنی ادبیات و ظاهر قرآن و نهج البلاغه. دیگری، ساحت معنا و محتواست. ایشان در توضیح ساحت سبک و اسلوب ادبی گفت: «هنگامی که قرآن کریم به‌عنوان معجزه پیامبر اکرم(ص) مطرح می‌شود، برخی پرسیدند که از چه نظر اعجاز دارد؟ قدیمی‌ترین وجه از وجوهی که برای آن شمرده شده، اعجاز از نظر بلاغت و فصاحت است. مفسر بزرگ، شیخ طبرسی در تفسیر آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» (بقره، آیه ۲۳) می‌گوید: «من مثله فی الفصاحة و البلاغة والنظم.»

عالم بزرگ به نام رُمّانی می‌گوید: «بلاغت، سه درجه دارد: اعلی، متوسط و أدنی. بلاغت قرآن، در بالاترین نقطه قرار دارد؛ اما نهج البلاغه که گزینشی از کلام حضرت بوده، به انتخاب سید رضی است و ایشان فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین‌های سخنان امام را گردآوری کرده است. بلاغت نهج البلاغه، در حدی است که ابن‌ابی‌الحدید معتزلی ادعا می‌کند: «کلامه دون الکلام الخالق و فوق الکلام المخلوقین؛ سخن امیرمؤمنان، از سخن خداوند پایین‌تر است؛ ولی از سخنان انسان‌ها خیلی بالاتر است.» مفهوم کلام ابن‌ابی‌الحدید چنین خواهد بود که بسیار بعید به نظر می‌رسد، سخنی از انسان‌ها بتواند به این درجه و سطح برسد؛ حتی برخی تلاش کردند مانند نهج البلاغه کلامی بلیغ گفته باشند؛ ولی نتوانستند؛ مانند ابن‌نباته مصری که تعبیر خطبه جهاد حضرت را خواسته تقلید کند؛ آنجا که حضرت فرمود: «تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ؛ آماده شوید، خداتان پیام‌زاد! که بانگ کوچ را سردادند.» اینجا ابن‌نباته گفت: «تجهزوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالبوق الرحیل!» همین یک کلمه، باعث شد حرف ابن‌نباته دچار خفت و رکیک شدن شود.»





حدس و گمان بنده این است که از چند جهت، فناوری دیجیتال به تحقیقات نهج البلاغه کمک شایانی خواهد کرد؛ به عنوان نمونه، اگر فناوری بتواند نسبت به ثبت و گردآوری منابع و آثار رشته‌های مختلف علوم اسلامی، به رشد قابل توجهی برسد و تمامی منابع را ارائه کند، در کشف اسناد و مدارک نهج البلاغه، یقیناً بسیار مؤثر خواهد بود



استاد معارف در ادامه توضیح سبک و اسلوب ادبی نهج البلاغه افزود:

«مثلاً یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، ایجازگویی است که باعث می‌شود کلام قرآن، کشش تفسیر و توضیح داشته باشد؛ مانند تعبیر «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ» (بقره، آیه ۱۷۹)؛ یعنی برایتان در قصاص، حیات نهفته است. این کلام، توضیح لازم دارد و تفسیر می‌طلبد. این، یعنی ایجازگویی. و یا در سوره اعراف می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، آیه ۱۹۹). سخن، در کلمه «العرف» است؛ یعنی تمام خوبی‌های عالم را شامل می‌شود.

در نهج البلاغه هم ایجاز به‌غایت بلاغت استفاده شده است؛ برای مثال، حضرت در خطبه ۲۱ فرموده: «تَخَفُّوا تَلَحُّقًا؛ یعنی سبک‌بار باشید، تا به خوبان عالم ملحق شوید.» چه بسیار حرف و توضیح که در همین تعبیر وجود دارد. سید رضی ذیل این قطعه می‌گوید: این سخن، بعد از کلام خدا و رسولش، هم‌رتبه ندارد و فراتر خواهد بود.

نمونه دیگر اینکه در حکمت‌های نهج البلاغه آمده است: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ شخصیت انسان، زیر زبانش پنهان است.» این ایجاز، توضیح و تفسیر بسیاری دارد.

یا این تعبیر که فرموده: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ؛ ارزش هر انسان، به کار نیک اوست.» یا به این است که اطرافیان چقدر او را نیک بدانند؛ یعنی این کلام، ایجازی دارد که مستعد دو معنا می‌شود. جاحظ، ادیب مشهور عرب گفته است: «اگر در کل نهج البلاغه به غیر از این تعبیر، کلامی دیگر نبود، همین قطعه بر اثبات فضل و دانش گوینده‌اش کفایت می‌کرد.»

همان‌طور که می‌دانید، عنصر سجع در آیات قرآن، به‌خصوص در سوره‌های مکی خیلی استفاده شده و موجب زیبایی کلام خدا است. در نهج البلاغه هم از سجع بهره گرفته شده است. حضرت در مذمت اخلاق کوفیان خطبه‌ای دارد و در فرازی از آن می‌خوانیم: «أَخْلَاقُكُمْ دَقَاقٌ وَعَهْدُكُمْ شَقَاقٌ وَدِينُكُمْ نَفَاقٌ وَمَاءُكُمْ زَغَاقٌ؛ خوی شما، پست است و پیمانتان، دستخوش شکست و کیش شما، نفاق است و آبتان، تلخ و ناگوار است.»

رابطه ساحت معنایی قرآن و نهج البلاغه

دکتر مجید معارف در بیان رابطه قرآن و نهج البلاغه در ساحت معنا و محتوا اظهار داشت: «در موضوع خدانشناسی، این دو کتاب از نظر سیاق و معنا، اتحاد دارند. در قرآن از آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء، آیه ۲۲)، برهان تمناع استخراج شده است. اگر بین زمین و آسمان خدایانی دیگر وجود داشت، اختلال و چندپارگی به وجود می‌آمد. شبیه به همین مضمون را در نهج البلاغه می‌بینیم که حضرت فرموده: «وَاعْلَمُ يَا بَنِي آدَمَ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ أَقَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَفْعَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ؛ و بدان پسرکم! اگر پروردگارت شریکی داشت، پیامبران او نزد تو می‌آمدند و نشانه‌های پادشاهی و قدرت او را می‌دید و از کردار و صفت‌های او آگاه می‌گردیدی؛ لیکن او خدای یکتاست.»

یا در موضوع پیامبرشناسی قرآن کریم می‌فرماید: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ؛ (حجر، آیه ۹۴) پس، [ای پیامبر،] آنچه را بدان مأمور می‌شوی، آشکار کن!» و در نهج البلاغه آمده است: «أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا؛ او را فرستاد تا فرمان وی را آشکارا برساند.»

یا قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ (احزاب، آیه ۴۵) ای پیامبر! همانا ما تو را به‌عنوان گواه و مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم.» در نهج البلاغه می‌فرماید: «حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَهِيدًا وَبَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ تا اینکه خدا محمد(ص) را برانگیخت، گواهی‌دهنده، مژده‌رساننده و ترساننده.»

ملاحظه می‌کنید که تعبیر، همانند یکدیگر است.

آخرین نمونه و شاهد را از سوره نحل، آیه ۹۷ می‌آورم که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آن‌که کار شایسته انجام می‌دهد، خواه مرد یا زن، درحالی که اهل ایمان باشد، به او زندگی پاکیزه و پاداشی خیلی بهتر از آنچه انجام داده، خواهیم داد.» از حضرت امیر(ع) می‌پرسند: ما الحیاة الطیبة؛ زندگی پاک چیست؟ اینجاست که سخن حضرت، تفسیر و تبیین آیه می‌شود؛ آنجا که امام فرموده: «هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ زندگی پاک، همانا قناعت است.»

استاد دکتر مجید معارف، در پایان این بخش از سخنان خویش، با اشاره به عدم کفایت مباحث مطرح‌شده در ادای حق مطلب، به کتاب رابطه قرآن و نهج البلاغه اشاره نمود و علاقه‌مندان را برای آشنایی با مباحث تفصیلی و بیشتر در این موضوع، به این کتاب ارجاع داد.

نقش فناوری و نهج البلاغه پژوهی

استاد معارف در بیان اهمیت و نقش فناوری‌های نوین اطلاعات در حوزه حدیث، به‌خصوص نهج البلاغه پژوهی گفت:

«حدس و گمان بنده این است که از چند جهت، فناوری دیجیتال به تحقیقات نهج البلاغه کمک شایانی خواهد کرد؛ به‌عنوان نمونه، اگر فناوری بتواند نسبت به ثبت و گردآوری منابع و آثار رشته‌های مختلف علوم اسلامی، به رشد قابل توجهی برسد و تمامی منابع را ارائه کند، در کشف اسناد و مدارک نهج البلاغه، یقیناً بسیار مؤثر خواهد بود. در این زمینه، کتاب‌هایی تألیف شده است؛ مانند مدارک نهج البلاغه و آسانیده نوشته سید عبدالزهراء حسینی خطیب در ۴ جلد. همچنین،

اگر با نرم افزار بتوانیم همه منابع تاریخی، ادبیاتی، حدیثی و... را بررسی نماییم، پیش بینی می کنیم که موارد فراوانی از اسانید و مدارک نهج البلاغه کشف خواهد شد؛ زیرا سخنان حضرت، پراکندگی داشته است؛ یعنی این گونه نبوده که کلام ایشان، تنها توسط محدثان نقل شود؛ بلکه در منابع تاریخی، کلامی، سیره، لغت و... نیز سخنان آن حضرت آورده شده است

جناب آقای دکتر محمد مهدی جعفری که پژوهشگر نهج البلاغه است، کتابی با عنوان پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه دارد. یا امتیاز علی خان عرشی که کتابی در باره اسناد و مدارک نهج البلاغه به رشته تحریر در آورده است. این اثر، توسط دکتر آیت الله زاده شیرازی به فارسی ترجمه شده است.

اما نکته مهم این است که همه کتب مذکور، به صورت غیر دیجیتال تحقیق و تألیف شده و مؤلفان آن هم دسترسی زیادی به منابع نداشته اند. در حالی که اگر با نرم افزار بتوانیم همه منابع تاریخی، ادبیاتی، حدیثی و... را بررسی نماییم، پیش بینی می کنیم که موارد فراوانی از اسانید و مدارک نهج البلاغه کشف خواهد شد؛ زیرا سخنان حضرت، پراکندگی داشته است؛ یعنی این گونه نبوده که کلام ایشان، تنها توسط محدثان نقل شود؛ بلکه در منابع تاریخی، کلامی، سیره، لغت و... نیز سخنان آن حضرت آورده شده است؛ مثلاً در نهج البلاغه تعبیری است کوتاه و دو کلمه ای که بسیار پرمعناست. حضرت می فرماید: «أَخْبِرْ تَقَلِّه»؛ یعنی تحقیق کن و آدمها را بشناس؛ تا بهتر بفهمی چه کسی دوست است و چه کسی دشمن. مأمون عباسی گفته: اگر این کلام برای پیامبر (ص) یا امیرمؤمنان (ع) نبود، می گفتم: «إِقله تخبر»؛ یعنی همه را دشمن فرض کن، بعداً تحقیق کن و بفهم که کدام دوست هستند. این تعبیر، در کتب حدیثی نیست؛ بلکه در کتب تاریخی خلفای بنی عباس ذکر شده است.

اینجاست که فناوری های نوین و ابزارهای دیجیتال نقش ایفا می کنند و با حجم منابع انبوه که دارند، به محقق کمک می کند تا به راحتی بتواند اسناد کلام حضرت را در منابع مختلف بیابد و به کشف مدارک سخنان حضرت پردازد. ■